

سندی گرد آورده باشد که از میان رفته است.

۲. ابوبکر محمدبن احمدبن محمدبن عبدالله بن اسماعیل، کاتب بغدادی (۲۳۸ - ۳۲۲ ق/ ۸۵۲ - ۹۳۴ م). وی نواده ابن ابی الثلج محمدبن عبدالله است و سبب اشتها وی به کاتب معلوم نیست. او بر مذهب امامیه بود. ابن ندیم (ص ۲۸۹) او را «خاصی عامی» معرفی کرده و افزوده است که تشیع او بر تسنن غالب است. در عین حال او را در شمار فقهای اصحاب حدیث (از اهل سنت) دانسته است. در جای دیگر (ص ۲۹۲) وی را پیرو مکتب فقهی محمدبن جریر طبری و از اصحاب او شمرده است، اما طوسی (رجال، ۵۰۲) به صراحت، و نجاشی (ص ۳۸۱) تلویحاً او را امامی دانسته‌اند. کتاب تاریخ الائمه وی نیز دلالت تام بر این معنی دارد. به هر حال با توجه به مشایخ و آثار ابن ابی الثلج، وی در معارف اهل سنت و تشیع هردو مطلع بود و در عین اعتقاد به مبانی تشیع و تألیف آثاری در اثبات این مذهب به حدیث و فقه اخباری اهل سنت نیز علاقه‌مند بود و در این باب به تحصیل و تألیف پرداخت. این مسأله با عنایت به وضع شیعه در بغداد آن روزگار کاملاً موجه است. با توجه بدانچه گفته شد، ابن ابی الثلج را می‌توان از پیشگامان مکتب شیعی اخباری بغداد به‌شمار آورد. وی در نوجوانی روزگار امامت هادی (ع) (۲۲۰ - ۲۵۴ ق/ ۸۳۵ - ۸۶۸ م) و امام حسن عسکری (ع) (۲۵۴ - ۲۶۰ ق/ ۸۶۸ - ۸۷۴ م) را درک کرده است. ابن ابی الثلج کثیرالحدیث بوده (ابن ندیم، ۲۸۹؛ نجاشی، ۳۸۱) و شاگردش یوسف قوأس (خطیب، تاریخ، ۳۳۸/۱) و نیز نجاشی (همانجا) او را توثیق کرده‌اند.

از میان مشایخ وی می‌توان از نیایش محمدبن عبدالله، ابوزید عمر بن شبة، قاسم بن محمد مروزی و ابوعبدالله جعفر بن محمد حسنی نام برد. (برای آگاهی از دیگر مشایخ وی نک: ابن ابی الثلج، ۳؛ ابن بابویه، توحید، ۱۵۷ - ۱۵۸؛ همو، معانی الاخبار، ۱۵؛ ابن شاذان، ۱۷۵؛ مفید، ۱۸، ۲۸۶؛ نجاشی، ۸؛ طوسی، امالی، ۲۱۶/۲؛ همو، الفهرست، ۳۸؛ خطیب، تاریخ، ۳۳۸/۱، ۴۲۶/۵؛ همو، شرف، ۸۵). وی از محمدبن همام اسکافی نیز بهره‌هایی گرفته است (ابن ابی الثلج، ۲۶). راویان و شاگردان بنام وی اینانند: قاضی ابوالفرج معافی بن زکریا، ابوالحسن دارقطنی، ابوحفص بن شاهین، ابوبکر دوری و ابوالمفضل شیبانی (برای اطلاع بیشتر از راویان وی نک: ابن ابی الثلج، ابن بابویه، ابن شاذان، مفید، همانجا؛ نجاشی، ۸، ۳۸۲؛ طوسی، امالی، همانجا؛ همو، الفهرست، ۳۸، ۱۵۱؛ همو، رجال، ۵۱۲؛ خطیب، تاریخ، ۳۳۸/۱، ۴۲۶/۵؛ همو، شرف، ۸۵). تاریخ وفات ابن ابی الثلج را ۳۲۲ ق (خطیب، تاریخ، ۳۳۸/۱) به نقل از ابن قانع، ۳۲۳ ق (همان، ۲۷۹/۱، ۳۳۸) و ۳۲۵ ق (طوسی، رجال، ۵۰۲) دانسته‌اند. آثار: نجاشی (ص ۳۸۱) کتابی به نام تاریخ الائمه به وی نسبت می‌دهد. این کتاب در مجموعه‌ای با عنوان مجموعه نفیسه در قم، ۱۳۹۶ ق به چاپ رسیده است. سند روایت آن در اجازات به تصریح آیت‌الله مرعشی در مقدمه همین مجموعه سندی متصل است، اما

شواهدی در متن این اثر وجود دارد که نشان می‌دهد شخص دیگری نکاتی بر آن افزوده است (این شخص شاید ابوعلی عمادی راوی کتاب بوده است)، از جمله در صفحه ۳۴ آن از نیابت حسین بن روح و ابوالحسن سمری و آغاز غیبت کبری سخن به میان آمده است و حال آنکه حتی اگر درگذشت ابن ابی الثلج را در ۳۲۵ ق بدانیم، وی نیابت سمری (۳۲۶ - ۳۲۸ ق) و غیبت کبری (۳۲۸ ق) را نمی‌توانسته است، درک بکند.

این آثار نیز منسوب به اوست: ۱. منازل من القرآن فی امیرالمؤمنین (ع) یا التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع) (نجاشی، ۳۸۱؛ طوسی، الفهرست، ۱۵۱). این کتاب تا سده ۷ ق/ ۱۳ م باقی بود و مورد استفاده ابن طاووس در الیقین (صص ۴۵ - ۴۷) واقع شده است؛ ۲. البشری و الزلفی فی فضائل الشیعة (نجاشی، همانجا) یا البشری و الزلفی و صفة الشیعة و فضلهم (طوسی، همانجا)؛ ۳. اخبار النساء الممدوحات؛ ۴. اخبار فاطمة و الحسن و الحسین؛ ۵. من قال بالتفضیل من الصحابة و غیرهم (نجاشی، ۳۸۲)؛ ۶. اسماء امیرالمؤمنین (ع) فی کتاب الله (طوسی، همانجا)؛ ۷. السنن و الآداب علی مذاهب العامة؛ ۸. فضائل الصحابة؛ ۹. الاختیار من الاسانید (ابن ندیم، ۲۸۹)؛ ۱۰. تفسیر (همو، ۳۷).

ماخذ: ابن ابی الثلج، محمدبن احمد، «تاریخ الائمه» در مجموعه نفیسه، قم، ۱۳۹۶ ق؛ ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، الجرح و التعذیل، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۲ م؛ ابن بابویه، محمدبن علی، التوحید، به کوشش هاشم حسینی تهرانی، تهران، ۱۳۹۸ ق؛ همو، معانی الاخبار، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۹ ق؛ ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ ابن شاذان، محمدبن احمد، مائة منقبة، قم، ۱۴۰۷ ق؛ ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، نجف، ۱۳۴۹ ق؛ ابن ندیم، الفهرست؛ بخاری، محمدبن اسماعیل، الصحیح، بیروت، ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م؛ خطیب بغدادی، احمدبن علی تاریخ بغداد، مصر، ۱۳۴۹ ق؛ همو، شرف اصحاب الحدیث، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱ م؛ ذهبی، محمدبن احمد، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۸ ق/ ۱۹۶۸ م؛ همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعب الارزروط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ طوسی، محمدبن حسن، الامالی، بغداد، ۱۳۸۴ ق/ ۱۹۶۴ م؛ همو، الرجال، به کوشش محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ ق/ ۱۹۶۱ م؛ همو، الفهرست، به کوشش محمدصادق آل بحر العلوم، نشریات مکتبه مرتضویه، نجف؛ مزنی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال، نسخه خطی احمد ثالث، توپکاپی سرای، شد ۶۲۹۶؛ مفید، محمدبن محمد، الامالی، به کوشش استاد ولی و غفاری، تهران، ۱۴۰۳ ق؛ نجاشی، احمدبن علی، الرجال، قم، ۱۴۰۷ ق.

این ابی جامع، نک: آل ابی جامع.

این ابی جراده، نک: آل ابی جراده.

این ابی جمهور، محمدبن زین الدین علی بن ابراهیم بن حسن ابن ابراهیم بن ابی جمهور احسانی یا لخصاری (زنده در ۹۰۴ ق/ ۱۴۹۹ م)، فقیه، محدث و متکلم صوفی مشرب شیعی امامی. تاریخ ولادت این دانشمند به درستی معلوم نیست. الشیبی با استناد به صورت مجلس مناظره احسانی با متکلم سنی، تولد او را به طور قطع ۸۳۸ ق/ ۱۴۳۵ م دانسته است (ص ۳۳۱). آنچه از منابع معتبر موجود برمی‌آید،

شیعه، در یک مقدمه و دو باب و یک خاتمه، مقدمه ده فصل دارد که در فصل اول، مؤلف طُرُق روایت خود را ذکر کرده است. باب اول شامل احادیث فقهی بدون ترتیب متداول، در چهار «مسلك»: احادیثی که برخی از متقدمان از رسول اکرم و ائمه هدی نقل کرده‌اند؛ احادیث روایت شده از طریق جمال المحققین حسن بن یوسف حلّی؛ احادیثی که شمس‌الدین محمد بن مکی، معروف به شهید اول، در بعضی از تألیفات خود روایت کرده است؛ احادیث روایت شده به طریقه شیخ مقداد بن عبدالله سیوری. باب دوم شامل احادیث مرتب شده به ترتیب ابواب فقه، در دو «قسم»: یکی احادیث روایت شده به طریقه جمال المحققین علامه حلّی به روایت پسرش فخر المحققین، دیگری احادیث روایت شده به طریقه محقق حلّی جعفر بن محمد به روایت شیخ ابوالعباس احمد بن فهد حلّی. خاتمه کتاب مشتمل بر دو «جمله» است: «جمله» اول در احادیث متفرقه، و «جمله» دوم در روایات متعلق به علم و اهل علم.

احسانی، چنانکه در فصل اول از مقدمه کتاب متذکر می‌شود، در این کتاب احادیث و روایات شیعه را از هفت طریق نقل کرده است: اول، از پدرش شیخ زین‌الدین علی؛ دوم، از شیخ شمس‌الدین محمد بن کمال‌الدین موسی موسوی حسینی؛ سوم، از شیخ حرز‌الدین اوائلی؛ چهارم، از شیخ شمس‌الدین محمد بن احمد موسوی حسینی؛ پنجم، از شیخ شرف‌الدین حسن بن عبدالکریم قتال؛ ششم، از شیخ زین‌الدین علی بن هلال جزایری؛ هفتم، از شیخ وجیه‌الدین عبدالله بن علاء‌الدین فتح‌الله بن رضی‌الدین عبدالملک بن شمس‌الدین واعظ قمی قاسانی. سلسله روایات این هفت طریق به جمال المحققین حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (د ۷۲۷ ق / ۱۳۲۷ م) می‌رسد و با واسطه مشایخ او به ائمه اطهار می‌پیوندد (نک: عوالی اللآلی، ۵/۱ - ۱۱).

کتاب عوالی اللآلی همواره مورد توجه علمای شیعه بوده است، چنانکه سید نعمت‌الله جزایری شرحی به نام جواهر الغوالی یا مدینه الحدیث بر آن نوشته است. گروهی از مشایخ امامیه به دلیل اینکه در این کتاب غث و سمین به هم آمیخته و در نقل احادیث عامه زیاده‌روی شده است، مؤلف را موقت ندانسته و بر مرویات کتابش اعتماد نکرده‌اند (بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۶۷). مجلسی در این باره می‌نویسد: «کتاب غوالی اللآلی اگرچه مشهور است و مؤلف آن در فضل معروف، ولی پوست را از مغز جدا نکرده و اخبار مخالفان متعصب را با روایات اصحاب [= امامیه] آمیخته است، به همین جهت به نقل برخی از آن احادیث اکتفا کردیم» (جزء اول، فصل دوم از مقدمه، ص ۳۱). خوانساری نیز بر آن است که ابن ابی جمهور معتبر و موثق نیست، زیرا به عمل به مطلق اخبار معتقد بوده و کتابی هم در باب اثبات عمل به مطلق اخبار وارده در کتب امامیه نوشته است (۳۳/۷). به‌طور کلی ایراداتی که بر این کتاب گرفته‌اند بر دو قسم است: یکی ایرادات مربوط به روایات از قبیل مرسل و آحاد و غلوآمیز و از مرویات عامه بودن آنها و دیگری ایرادات مربوط به مؤلف از قبیل

این است که ابن ابی جمهور در نیمه اول قرن ۹ ق / ۱۵ م در شهر لخص یا احساء بحرین، در خانواده‌ای از اهل علم و تقوا به دنیا آمده است. پدرش شیخ زین‌الدین علی و جدش شیخ ابراهیم از علما به‌شمار می‌رفتند (بحرانی، علی بن حسن، ۳۹۹). وی ابتدا نزد فضلالاحساء علوم متداول را فرا گرفت و از محضر پدر خود بهره‌ها برد. سپس به عراق سفر کرد و در نجف به حلقه شاگردان شیخ شرف‌الدین حسن بن عبدالکریم قتال پیوست (شوشتری، ۵۸۱/۱) و از او اجازه روایت گرفت (خوانساری، ۳۲۷؛ قمی، فوائد الرضویه، ۲۸۳). در ۸۷۷ ق / ۱۴۷۲ م از طریق شام عازم زیارت کعبه گردید. ضمن این سفر در «کرک نوح» - از نواحی جبل عامل و از مراکز معروف شیعه‌نشین (شوشتری، ۷۸/۱) - محضر درس شیخ علی بن هلال جزایری، از شاگردان ابوالعباس احمد بن فهد حلّی، را دریافت و یک ماه نزد وی ماند و از برکات انفس او بهره‌مند گردید (همو، ۵۸۱/۱) و اجازه روایت گرفت (افندی اصفهانی، ۱۱۵/۵؛ قمی، همانجا). پس از این سفر به احساء بازگشت و چندی بعد به قصد زیارت عتبات رهسپار عراق شد و از آنجا برای زیارت مشهد رضا (ع) عازم طوس گردید. در این سفر رساله زاد المسافرین فی اصول الدین را تألیف کرد که بعدها به درخواست سید محسن بن محمد رضوی قمی - از بزرگان و معاریف مشهد - شرحی به نام کشف البراهین بر آن نوشت (شوشتری، ۵۸۲/۱). ابن ابی جمهور بقیه عمر خود را در خراسان گذراند و همواره میان طوس و شهرهای دیگر در سیر و سفر بود. در طوس علاوه بر تدریس و تألیف، با علمای اهل سنت در اثبات حقایق مذهب تشیع و خلافت علی (ع) مناظرانی داشته است. مهم‌ترین این مناظرات، مناظره با فاضل هروی است که در ۸۷۸ ق در خانه سید محسن رضوی انجام گرفته و فاضل هروی را مجاب کرده است (بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۶۶). گرچه در متن مناظرات درباره فاضل هروی توضیحی داده نشده است، ولی گمان می‌رود که مقصود از این شخص، شیخ الاسلام احمد بن یحیی بن سعدالدین تفتازانی باشد که «مدت سی سال سمت قضاوت هرات را داشت و در ۹۱۶ ق / ۱۵۱۰ م با جمعی از علمای هرات به دستور شاه اسماعیل صفوی کشته شد» (الشیبی، ۳۳۲).

سال دقیق وفات ابن ابی جمهور روشن نیست، اما از قراین چنین برمی‌آید که شیخ تا ذیقعد سال ۹۰۴ ق / ژوئن ۱۴۹۹ م زنده بوده است، زیرا در این تاریخ به درخواست دوستان و شاگردان خود شرحی به نام معین‌الفکر بر کتاب باب حادی عشر نوشته است (مشکوٰة، ۳/ ۱) (۵۸۷). ابن ابی جمهور با فقیه معروف، محقق ثانی علی بن عبدالعالم کرکی (د ۹۴۰ ق / ۱۵۳۳ م) معاصر بود (قمی، هدیه الاحباب، ۵۲).

آثار:

۱. عوالی اللآلی العزیزة فی الاحادیث الذنیة. یا عوالی اللآلی الحدیثة علی مذهب الامامیه، کتابی است جامع اخبار و روایات

صوفی مشرب بودن و تمایل به فلسفه و تساهل در نقل روایات (مرعشی، ۴، ۵).

درباره ضبط درست نام این کتاب اختلاف است. گروهی آن را العوالی ضبط کرده‌اند (مجلسی، همانجا؛ حرّ عاملی، ۲۵۳/۲؛ بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۶۷؛ خوانساری، ۲۶/۷؛ مامقانی، ۱۵۱/۳)، اما دسته دیگر مانند نوری طبرسی در مستدرک الوسایل (۳۶۵/۳) نام آن را العوالی نوشته‌اند. قمی در فواید الرضویة (همانجا) پس از ذکر اختلافات، با استناد به سخن استادش نوری و به گواهی شرح سید نعمت الله جزایری، العوالی را ترجیح می‌دهد. دانش پژوه معتقد است که «اسم کتاب آنچنانکه نوری می‌نویسد و به گواهی نسخه‌های اصل و شرح و اجازه‌ها عوالی الالهی است گرچه عوالی اللئالی بر سر زبانها است» (مشکوٰة، ۳ (۵) / ۱۴۲۴). این کتاب به کوشش مجتبی عراقی، با حواشی سودمند و مُتَمَع در تطبیق احادیث با مآخذ شیعی و سنی، همراه رساله الردود و التقدود تألیف مرعشی نجفی که حاوی دفاع از ابن ابی جمهور و پاسخ ایرادات است، در چهار مجلد، به سال ۱۴۰۳ ق در قم منتشر شده است. نسخه‌ای از این کتاب به خط خود مؤلف در کتابخانه آستان قدس موجود است که در ۸۹۷ ق در خانه سید محسن رضوی نوشته شده است (آستان، ۶۰/۱).

۲. مُجَلِّی مِرَاةَ الْمُجَنَّبِ، کتابی است در علم کلام، آمیخته با مباحث فلسفی و عرفانی و قواعد سیر و سلوک متصوّفه و خلاصه‌ای از تهذیب اخلاق، که تألیف و کتابت آن در صفر ۸۹۶ ق/دسامبر ۱۴۹۰ م پایان یافته است (ابن ابی جمهور، المجلی، ۵۸۵/۴). این کتاب شرحی است بر رساله مسلک الافهام فی علم الکلام از خود مؤلف، توضیح اینکه نویسنده متن اولیه کتاب را در جوانی در نجف تألیف کرد و مورد توجه قرار گرفت. بعدها برای توضیح مطالب، حاشیه‌ای بر آن نوشت که به التور المنجی من الظلام معروف شد. پس از مدتی که طلاب و علاقه‌مندان از این کتاب استقبال کردند، در آن تجدید نظر کرد و بعد از اصلاحات لازم و شرح موارد مبهم و مجمل، متن کامل کتاب تدوین گردید (همان، ۳، ۴).

مجلّی یک مقدمه و دو «قسم» و یک خاتمه دارد. مقدمه کتاب مطالبی است درباره برخی از نکات مربوط به علم منطق (صناعات خمس)، تعریف و موضوع و مبادی و غایت علم کلام، مباحثی مربوط به امور عامه (وجود و عدم، علت و معلول، جهات ثلاث، حدوث و قدم، تقابل...) و جواهر و اعراض. «قسم» اول و دوم کتاب شامل مباحث اصلی علم کلام است، زیرا به گفته مؤلف، علم کلام در حقیقت دو مبحث اساسی دارد: یکی مبحث توحید و دیگری مبحث افعال (مجلّی، ۲۰۲). «قسم» اول (فی التوحید) شامل مباحثی است از قبیل: اثبات واجب الوجود از طرق گوناگون، خواص واجب الوجود، صفات واجب الوجود، ادله توحید، علم واجب... «قسم» دوم مربوط به مباحث افعال است. مؤلف در ذیل همین قسمت، به مبحث نبوت عامه و خاصه پرداخته و سپس درباره امامت و ولایت، دلایل امامت علی (ع) و

فضایل او و مطاعن خلفای سه گانه بحث کرده است. پی آمد این مطلب، مسائل مربوط به نواب و عقاب و سعادت و شقاوت نفوس انسانی است که تحت عنوان «مباحث المعاد» مطرح شده است. خاتمه کتاب مباحثی است درباره: چگونگی سلوک الی الله و شرایط آن، مقامات و مراتب سلوک، تقوا و مراتب آن، درجات سالکان الی الله، بیان ریاضات و مجاهدات، مراتب اهل سلوک، خطرات سالک در جریان سیر و سلوک و وصایای مؤلف. ابن ابی جمهور در این کتاب کوشیده است تا میان علم کلام و فلسفه (مخصوصاً افکار شیخ اشراق) و عرفان (به ویژه عقاید ابن عربی و شارحان او) تطبیق دهد و با تأویل آیات و روایات، تشیع را باتصوّف سازگار کند. به همین جهت است که برخی از محققان او را از ادامه دهندگان کار سید حیدر آملی (دیس از ۷۹۴ ق/ ۱۳۹۲ م) در توجه به حکمت الهی شیعی و آمیختن آن با عرفان ابن عربی، و از عوامل مؤثر در به وجود آمدن و شکوفایی مکتب فلسفی اصفهان (میرداماد و ملاصدرا و شاگردان آنان) دانسته‌اند (کرین، ۲۰۹). کتاب مجلی در ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م در تهران چاپ سنگی شده است. از این کتاب نسخه‌های خطی متعددی نیز در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورها موجود است (ملک، ۶۳۵/۱؛ مرکزی، ۲۶۰/۸؛ مرکز اسناد، ۵۰۶/۱۶، ۷۵۸، ۱۷۸/۱۷؛ نیز نک: GAL, II/255, 256؛ بانکپور، X/116). این کتاب به نامهای المجلی فی مرآة المنجی فی المنازل العرفانیة و سیرها (دانش پژوه، ۸۳)، جمع الجمع، جامع الجمع فی الکلامین والحکمتین والتصوف و مجلی السرائر نیز خوانده شده است (ملک، همانجا؛ مرکزی و مرکز اسناد، ۵۰۶/۱۶).

۳. رساله الاقطاب الفقهیة والوظائف الدینیة علی مذهب الامامیة، که در آن قواعد فقهی را مرتب و مدوّن کرده است. این کتاب شبیه القواعد شهید اول است و چنانکه مؤلف در مقدمه آن می‌نویسد پس از عوالی الالهی تألیف شده است (آقا بزرگ، ۲۷۳/۲). نسخه خطی این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است (مرکزی، ۲۶۷۴/۱۲).

۴. رساله البرمکیة فی فقه الصلوة الیومیة (آقا بزرگ، ۸۸/۳). این رساله را یکی از شاگردان و مستفیدان شیخ در زمان خود مؤلف به فارسی ترجمه کرده است (مشکوٰة، ۳ (۵) / ۱۸۲۷).

۵. الانوار الشهیدیة فی شرح الرسالة البرمکیة، شرحی است بر رساله برمکیة مذکور (آقا بزرگ، ۴۴۱/۲؛ مشکوٰة، همانجا).

۶. التحفة الحسینیة فی شرح الرسالة الالفیة (آقا بزرگ، ۴۳۰/۳). متن اصلی این رساله به نام الالفیة فی فقه الصلوة از شهید اول است.

۷. المسالك الجامعیة فی شرح الالفیة الشهیدیة، شرح دیگری است بر الفیة شهید اول. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه آستان قدس موجود است (همو، ۴۳۰/۳، ۱۱۴/۱۳).

۸. تحفة القاصدین فی معرفة اصطلاح المحدثین (همو، ۴۶۱/۳).

۹. بدایة النهایة فی الحکمة الاشراقیة (همو، ۵۹/۳).

۱۰. رساله معین الفکر، در شرح کتاب باب حادی عشر (همو،

جمعه، شیخ شرف‌الدین محمود طالقانی و شیخ شمس‌الدین محمد بن صالح غروی (خوانساری، ۳۴/۷: قمی، الکنی واللقاب، ۱۹۲/۱).
ابن ابی جمهور با وجود فقاهت و تبحر در کلام و روایات و احادیث، همواره مورد اعتراض گروهی از مشایخ و فقهای شیعه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که تمایل او به فلسفه و تصوف [مخصوصاً در کتاب مجلی] و سهل‌انگاری در نقل اخبار و استفاده از روایات عامه و مُرسل و آحاد [به خصوص در کتاب عوالی اللالی] علت این اعتراض و عدم اعتماد بوده است (بحرانی، یوسف، ۱۶۷: مامقانی، ۱۵۱/۳). در مقابل این گروه، دسته دیگری از بزرگان امامیه مانند سید نعمت‌الله جزایری در جواهر الفوالی و نوری در مستدرک الوسائل (۳۶۱/۳ - ۳۶۵)، و نیز از معاصران، آیت‌الله مرعشی نجفی در رساله الردود والتقود (ص ۲) به دفاع از وی پرداخته و ایرادها را پاسخ گفته‌اند و با اوصافی از قبیل «الحبر الثقیل، المحدث المتکلم، العارف المتأله، الزاهد الورع التقی، جامع العلوم السمعیة والعقلیة» از او تجلیل کرده‌اند.

مأخذ: آستان قدس، فهرست: آقا بزرگ، الذریعة: ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللالی به کوشش مجتبی عراقی، قم، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳ م، هیو، مجلی مرآة المنجی، تهران، ۱۳۲۴ ق: آندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، قم، ۱۴۰۱ ق: بحرانی، علی ابن حسن، انوار البدرین فی تراجم علماء القطف والاحساء والبحرین، به کوشش محمد علی محمد رضا الطیبی، نجف، ۱۳۷۷ ق: بحرانی، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرین، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، قم، مؤسسه آل‌البیت، بغدادی، اسماعیل بن محمد امین، ابضاح المکنون، استانبول، ۱۹۲۵ - ۱۹۴۷ م: حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، استانبول، ۱۹۴۱ م: حرّ عاملی، محمد بن حسن، الامل الآمل، بغداد، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م: خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، روضات الجنّات، تهران، ۱۳۹۰ ق: دانش یزوه، محمد تقی، «سه فیلسوف ایرانی»، مهر، س ۱۰، شه ۱، بهار ۱۳۴۳ ش، صص ۸۲ - ۸۴: شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۷۵ ق: النبی، کامل مصطفی، تنسیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرزلو، تهران، ۱۳۵۹ ش: قمی، عباس، فوائد الرضویة، تهران، ۱۳۲۷ ش: حمز، الکنی واللقاب، تهران، ۱۴۱۷ ق: حمز، هدیه الاحباب، تهران، ۱۳۶۳ ش: کریم، هانری، تاریخ فلسفة اسلامی، ترجمه اسدالله بشری، تهران، ۱۳۵۸ ش: مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، نجف، ۱۳۵۲ ق/ ۱۹۳۳ م: مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۳۹۸ ق: مرعشی، شهاب‌الدین، الردود والتقود اضمیة عوالی اللالی، قم، ۱۴۰۳ ق: مرکزی، خطی: مرکزی و مرکز اسناد، خطی: مشکوة، خطی: ملک، خطی: نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱ ق: نیز: Ahlwardt; Bankipore; GAL; GAL, S, صد موجد

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد بن ادریس بن منذر تميمی حنظلی رازی (۲۴۰ - ۳۲۷ ق/ ۸۵۴ - ۹۳۸ م)، مفسر، متکلم، فقیه و محدث بنام اسلامی. ظاهراً وی در ری زاده شد و سالهای نخستین زندگی را در همین شهر گذراند و از پدر خود ابو حاتم و ابو زُرْعَة رازی دانش و حدیث آموخت و نیز از فضل بن شاذان نیشابوری قرائت قرآن فراگرفت. ابن ابی حاتم یک بار در ۲۵۵ ق/ ۸۶۹ م و بار دیگر در ۲۶۰ ق همراه پدر به حج رفت. سپس خود در ۲۶۲ ق به طلب علم رهسپار شام و مصر گردید و ۷ ماه در مصر اقامت گزید و از عالمان و فقیهان و محدثان آن دیار فقه و حدیث آموخت. آنگاه در ۲۶۴

۱۳/۱۲۲۳).

۱۱. شرحی بر رساله معین الفکر به نام معین المعین (همانجا؛ مشکوة، همانجا).

۱۲. رساله کاشفة الحال عن احوال الاستدلال، کتابی است در مبحث اجتهاد، دارای یک مقدمه و ۵ فصل و یک خاتمه، که در طوس به سال ۸۸۰ ق/ ۱۴۷۵ م نوشته شده است (آقا بزرگ، ۲۴۰/۱۷) و نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه و آستان قدس موجود است (مرکزی، ۴۰۸/۸؛ مشکوة، ۳ (۵)/۱۷۱۶، ۱۷۱۷؛ آستان، ۷۵/۶؛ نیز: GAL, S, II/272).

۱۳. رسالته فی العمل باخيار اصحابنا (حرّ عاملی، ۳۵۳/۲: خوانساری، ۲۶/۷).

۱۴. رساله المناظرة مع الفاضل الهروی، شرح سه مجلس گفتگو و مناظره مؤلف است با فاضل هروی در مسأله امامت و اثبات حقایق علی (ع). قاضی نورالله شوشتری (۵۸۲/۱) قسمتی از این مناظره را به فارسی نقل کرده است و نیز جلال‌الدین محمد بن محمد کاشانی متن کامل آن را در ۱۰۰۱ ق/ ۱۵۹۳ م در هند به فارسی ترجمه کرده است (مشکوة، ۳ (۱)/۶۲۷: برای نسخه‌های خطی دیگر، نک: مرکزی، ۷۰۷/۸، ۲۰۵۸/۱۱، ۲۱۶۳؛ آستان، ۴۶/۴، ۲۵۸؛ ألوارت، II/460).

۱۵. رساله زادالمسافرین فی اصول الدین، در علم کلام (آقا بزرگ، ۱۰/۱۲).

۱۶. کشف البراهین در شرح رساله زاد المسافرین که در ۸۷۸ ق/ ۱۴۷۳ م در مشهد به درخواست محسن رضوی نوشته شده است (همانجا؛ GAL, S, II/272).

۱۷. درر اللالی العمادیة فی الاحادیث الفقهیة، در روایات و اخبار که در ۸۹۹ ق/ ۱۴۹۴ م به نام امیر عمادالدین تألیف و در ۹۰۱ ق/ ۱۴۹۶ م پاکتویس شده است. این کتاب یک مقدمه و سه «قسم» و یک خاتمه دارد و چنانکه مؤلف در مقدمه تصریح می‌کند بعد از عوالی اللالی نوشته شده است. حرّ عاملی (همانجا) از این کتاب به «الاحادیث الفقهیة» تعبیر کرده است (آقا بزرگ، ۱۳۳/۸ - ۱۳۴، ۱۰/۱۲؛ مشکوة، ۳ (۱)/۶۲۵؛ آستان، ۸۲/۵).

۱۸. نثر اللالی، در احادیث و اخبار (حاجی خلیفه، ۱۹۲۸/۲). احتمال می‌رود که این کتاب نام دیگر درر اللالی باشد (نوری، ۳۶۵/۳).

۱۹. رساله التحفة الکلامیة، در دو مقاله: یکی در تقریر قوانین منطق که یک مقدمه و دو «قسم» دارد، و دیگری در مباحث کلامی که شامل سه مقدمه و پنج باب و یک خاتمه است (آقا بزرگ، ۴۶۳/۳، ۱۸۶/۲؛ نیز: برای نسخه‌های خطی این رساله نک: مرکزی و مرکز اسناد، ۱۷، ۲۳۹).

ابن ابی جمهور شاگردانی نیز داشته است که از او اجازه روایت گرفته‌اند، از آن جمله‌اند: سید محسن رضوی قمی که شیخ اجازه قرائت و املائی کتاب عوالی اللالی را به وی داده است؛ شیخ ربیعة بن